

شور و شعور در آئینه

بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر فارسی

محمود مهرآوران*

چکیده

پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو این است که تأثیر انقلاب بر شعر فارسی چگونه بوده است؟ با بررسی اشعار شاعران این دوره می‌بینیم که انقلاب در محتوا، مضمون و موضوعات شعر بسیار اثرگذار بوده و تحولی فرهنگی در این زمینه ایجاد کرده است. ادبیات و شعر فارسی مانند آئینه‌ای شور و شعور ناشی از پیروزی انقلاب و دفاع هشت‌ساله و ایثار و شهادت و مفاهیم ارزشی را در خود منعکس کرد و نشان‌دهنده احساسات و افکار ملتی به‌پا خاسته بود.

واژگان کلیدی

تأثیر انقلاب اسلامی، شعر فارسی، امام خمینی علیه‌السلام، دفاع مقدس، شاعران متعهد.

Email: mehravaran72m@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۱۴

* استادیار دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۲۶

مقدمه

خورشید انقلاب از مشرق باورهای دینی در بهمن خونین ۵۷ سرب‌آورد و با طلوع خود ساغرهای ایمان را لبریز از شور و مستی کرد. دل‌های خسته همچون پیمان‌های سرخ‌رنگ مالمال از شربت گوارای پیروزی بود و مردم چون جرعه‌نوشان مشتاق، سرخوش از باده‌گساری عشق در پیشگاه پیر و مراد خود بودند. پیروزی به‌سختی به‌دست آمده بود و حفظ آن کاری سخت‌تر بود. این پیروزی، بر روح و جان و توان، فکر و اندیشه و قلم و خلاصه بر هر عرصه و زمینه‌ای تأثیر نهاد. در این میان عرصه هنر شعر و شاعری، آینه‌ای برای تجلی آن اندیشه‌ها و جلوه‌گاه باورها و شورها و شعارهای برخاسته از جان بود. آری، انقلاب تحولات عمیقی را در ساختار جامعه و روابط فرهنگی مردم به‌وجود آورد و با برقراری نظام جمهوری اسلامی دست به‌نوآوری زد، اما برای نشان‌دادن تأثیر نوآوری انقلاب در هر زمینه‌ای باید جداگانه تحقیق و بررسی کرد. موضوع این مقاله، تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر فارسی معاصر است. شاید نشان‌دادن این تأثیر در سال‌های پیش و نزدیک با زمان پیروزی انقلاب، زود هنگام به‌نظر می‌رسید، اما اکنون با گذشت بیش از سه‌دهه از پیروزی انقلاب اسلامی زمان بسیار مناسبی است که می‌توان به‌شکلی دقیق‌تر درباره تأثیر انقلاب بر ادبیات معاصر به‌ویژه بر شعر سخن گفت. بی‌شک هدف ما از این پژوهش، بازخوانی اهداف ارزشمندی است که انقلاب اسلامی برای آن شکل گرفت و از سویی یادآوری ارزش‌هایی است که احیای آنها برای ما ارزشمند بود.

با توجه به‌گذشت بیش از ۳۱ سال از انقلاب اسلامی و فاصله زمانی نسبتاً طولانی با ایام پرشور انقلاب و وجود روحیات و وضعیت انقلابی در سال‌های ۵۷ و ۵۸ و چندسال پس از آن، طبیعی است که وضعیت امروز با آن زمان متفاوت باشد. از این‌رو با معیارهایی می‌توان برای این سه‌دهه تقسیم‌های زمانی در نظر گرفت. ما مقطع پیروزی انقلاب را تا سال ۶۸ یک دوره معین برای نشان‌دادن و اثبات مدعای خود - یعنی تأثیر انقلاب بر شعر امروز فارسی - قرار داده‌ایم. دلیل این تقسیم و انتخاب، پیروزی انقلاب اسلامی در پایان سال ۵۷، برپایی نظام

جمهوری اسلامی در سال ۵۸، آغاز جنگ تحمیلی در سال ۵۹ و ادامه این وضعیت تا سال ۶۷ و سرانجام رحلت امام خمینی علیه السلام در سال ۶۸ است. این زمان که کمی بیش از یک دهه است، بهرغم برخی تفاوت‌ها و فراز و فرودها یک دهه مشخص و متفاوت با دو دهه پس از آن است؛ زیرا حضور شخصیت معنوی و روحانی امام و وجود نسلی که انقلاب کرده بود و از سویی آغاز و تداوم جنگ و وجود روحیه ایشار، شهادت‌طلبی، هیجان و حماسه، جملگی وضعیتی استثنایی و کاملاً متفاوت در تاریخ و جامعه ما بود. واکاوی آثار شاعران در دو دهه پس از این دوره نیز تمایز این مقاطع زمانی را به خوبی نشان می‌دهد.

چنان که ذکر شد، خاصیت و پیامد انقلاب، تحول در ابعاد گوناگون است؛ همان‌گونه که نهضت یا انقلاب مشروطه نیز این را نشان داد و به اندازه خود بر اندیشه‌ها، فرهنگ و جامعه ما تأثیر گذارد. مثلاً در حوزه ادبیات و شعر، ما یک دوره مشخص شعری، یعنی سبک مشروطه را داریم که سرآغازی شد برای تحولات ادبی دیگر و ورود برخی قالب‌های ادبی مانند داستان کوتاه، نمایشنامه و رمان. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این تأثیر بسیار بیشتر و عمیق‌تر بود.

ادبیات، ابزاری برای انقلاب

ادبیات وسیله‌ای برای اقناع و تغذیه روح و اندیشه و از سویی ابزاری برای نشر عقاید، ارزش‌ها و تفکرات است. همچنین ادبیات، شکل‌دهنده جهت فکری و نظم‌دهنده اندیشه‌ها و احساسات است و موجب می‌شود که آدمی نگاهی وسیع و عاطفه علمی گسترده‌ای بیابد. بی‌تردید آشنانیدن با متون ادبی و ندانستن آنها، ذهن‌ها را دچار جمود می‌کند. از این رو در انقلاب اسلامی یکی از ابزارهای مهم و کارآمد، ادبیات و شعر است که پس از پیروزی انقلاب، در جهت تأیید و تثبیت اندیشه‌های انقلابی و توسعه و تحول مفاهیم معنوی بسیار مؤثر بوده است. انقلاب اسلامی به ادبیات و شعر فارسی پویایی، سمت‌وسو و معنویتی دوچندان بخشید. بی‌گمان ادبیات قوی و زیبا سبب ماندگاری اندیشه‌ها و نشر آن می‌شود و به‌حق باید بگوییم

شعر پس از انقلاب در این خصوص بسیار مؤثر بوده است. از سویی دیگر، ذهن و تفکر نیرومند، ادبیات قوی می‌سازد. اشعار شاعران دهه اول پس از انقلاب شواهد فراوانی از نیرومندی این فکر و اندیشه را نشان می‌دهد؛ زیرا مبانی و اصول انقلاب، خود مبتنی بر اندیشه‌های قوی و تفکر دینی بود.

شعر پس از انقلاب به شکلی گسترده، اجتماعی و متعهد می‌شود. در واقع انقلاب اسلامی بود که شعر و شاعر را متعهد و به آرمان‌های اکثریت ملت و نشر ارزش‌ها، شعارها و خواسته‌های دینی، مردمی و ملی جامعه انقلابی پایبند کرد.

شعر متعهد نیز شعر جهت‌دار است؛ یعنی تفکر ادبی و جهان‌بینی و نگرش شاعر، خود را در قالب ادبیات و به‌ویژه شعر نشان می‌دهد. شاعران انقلاب، قالب‌های شعری به‌ویژه قالب‌های سنتی را محملی قرار دادند برای ثبت صحنه‌های پرشور و هیجان‌انگیز انقلاب. بازتاب اندیشه‌های انقلابی، ابراز عشق و ارادت به بنیان‌گذار انقلاب و همچنین ماندگار کردن حماسه فرزندان دلیر و در آخر نیز جاودان کردن بزرگ‌ترین تحول در تاریخ این کشور بود. حال به مهم‌ترین محورهای فکری ناشی از تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر و شاعران می‌پردازیم.

۱. ایجاد تفکر ادبی جدید

«مقصود از تفکر ادبی نحوه شناخت و جهان‌بینی و نگرشی است که انسان آگاه از ادبیات، واجد آن است». (حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام: ۸) با این تعبیر می‌توان گفت نگرش و جهان‌بینی شاعران انقلاب یا انقلابی، با تأثیر از فضای معنوی و مردمی انقلاب شکل‌گرفت و استحکام‌یافت. انقلاب در تغییر ذهنیت و جهان‌بینی مردم اثرگذار بوده و بدیهی است که شاعران و ادیبان، بیشتر و زودتر این تغییر نگرش را نشان می‌دهند. اگر شعر فارسی در آثار بسیاری از شاعران بازتاب اندیشه‌های محدود فردی یا احیاناً مادی و گاه ملی محض بود، پس از انقلاب، این بینش عمق و گسترش می‌یافت ولی شاعران تنها به «من» فردی یا حتی «من وطنی» محدود نمی‌شوند؛ بلکه همه آفاق و سراسر عالم را حوزه نگاه و ابلاغ پیام خود

می‌دانند؛ یعنی بینشی فراملیتی و انسان‌گرا که خواستار سعادت همه جامعه بشری، پرهیز از زور و ستم، آزادی ملت‌ها و توده‌های در بند و نیز طالب روابط و مناسبات دوستانه و برادرانه با همه ملت‌هاست. شاعران، انقلاب اسلامی را تنها برای رهایی مردم ایران نمی‌خواهند، بلکه آن‌را بازتاب خواسته‌های همه مستضعفان و مظلومان عالم و از سویی پیام‌آور رهایی ملت‌های ستمدیده و نیز درهم‌شکننده زنجیر اسارت توده‌های دربند می‌شمارند. حاصل این تفکر جدید، هم‌نوایی با مردم ستمدیده (اما خواهان رهایی)، صدور پیام حق‌طلبی انقلاب اسلامی، احساس همدردی با دردمندان و نفی هرگونه تفکر سلطه‌طلبی است. اینک به نمونه‌هایی از این تفکر می‌پردازیم:

این بانگ آزادی است کز خاوران خیزد	فریاد انسان‌هاست کز هر کران خیزد
آتش فشان قهر ملت‌های دربند است	حبل‌المتین توده‌های آرزومند است
تخت شهنشاهان شد سرنگون از ما	بخت تبهکاران شد واژگون از ما
دامان آزادی شد لاله‌گون از ما	ما حافظ آزادی و اسلام و قرآنیم

ما در پی آسایش و معراج انسانیم

(سبزواری، کیهان فرهنگی: ۸۱)

همچنین سبزواری در مثنوی بلند «همپای جلودار»، بیش انقلابی آن روزها و رهاندن مردم مسلمان لبنان و آزادی فلسطین را منعکس کرده است. (بنگرید به: سبزواری، سرود سپیده: ۹۴ و ۹۲-۹۶)

پیکار علیه ظالمان پیشه ماست	جان در ره دوست دادن اندیشه ماست
هرگز ندهیم تن به ذلت هرگز	در خون زلال کربلا ریشه ماست

(سهرابی نژاد، شعر امروز: ۲۴۷)

۲. احیای ارزش‌های انسانی و اسلامی

بی‌گمان وقوع انقلاب اسلامی موجب حیات دوباره ارزش‌های انسانی و اسلامی شد. منظور از ارزش‌ها، تظاهر به برخی کارها و ظاهر‌نمایی نیست، بلکه باور عمیق و خالصانه به اصول و

آدابی است که در متن دین مبین اسلام و در سیره پیغمبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دینی وجود داشته، ولی در زمان‌هایی به فراموشی رفته یا بسیار کمرنگ شده است. خدمت خالصانه، عبادت و بندگی حق، سرسپرده‌نبودن در برابر باطل و زور، برادری و مهربانی با همه مردم مستضعف، ایثارگری، شهادت‌طلبی، خودباوری، توکل و ایمان از جمله این ارزش‌هاست.

خودآگاهی جمعی، بازگشت به خویش و طرد آنچه بیگانه، تحمیلی و القایی بوده است، از پیامدهای تحول فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. این تحول باعث شد اندیشه‌های والا و انسانی به شکل هنری در قالب نظم و نثر و دیگر نمودهای هنری خود را نشان دهند و بدین سان ادبیاتی والا، متعهد و مردمی را به وجود آورند. در دوره مورد مطالعه ما، آثار فراوانی در این زمینه وجود دارد. مثلاً جنگ تحمیلی در طول هشت سال، فضای فکری و روحیه و رفتار جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده بود. شاعران متعهد و مردمی، روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، دفاع، ظلم‌ستیزی، معنویت و روحانیت و ولایت‌پذیری را در شعر خود نشان دادند و به حق، یکی از عوامل مؤثر در پذیرش وضعیت آن دوره همین اشعار بوده است. در مجموع، شعر انقلاب از نظر ظاهر، پرخروش، ستیزنده، پرخاشگر و تحرک‌آفرین و از نظر معنا نیز آرام‌بخش، جان‌فزا و تثبیت‌کننده باورها و اندیشه‌های معنوی است. نمونه‌های زیر برخی از این موضوعات را نشان می‌دهد.

جنگ، جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم	صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
راه ما راه حسین است که با تیشه خون	همه بتهای زمین در شب روشن شکنیم
	(مردانی، خون نامه خاک: ۸۲)
ما خلق‌های کشور خون و شهادتیم	تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم
ماییم از نیبره هایبیل آفتاب	کاین گونه در مقابل قابیل ظلمتیم
ما در نبرد باطل و حق با درفش فتح	بر قله همیشه رفیع شجاعتیم
	(همان: ۸۰)

سپیده کاشانی چه پرخروش و توفنده، شور و هیجان انقلابی و صبر و پایداری در برابر دشمن را در گلوآژه‌های شعر ریخته است:

بجوشد گل اندر گل از گلشن من	به خون گر کشی خاک من دشمن من
جدا سازی ای خصم سر از تن من	تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی
تو عشق میان من و میهن من	کجا می‌توانی ز قلبم ربایی
بتازد به نیرنگ تو توسن من	نه تسلیم و سازش نه تکریم و خواهش
گل صبر می‌پرورد دامن من	من آزاده از خاک آزادگانم
تجلی هستی است جان کندن من	مسلمانم ^۱ و آرمانم شهادت

(کاشانی، گزیده اشعار: ۶۸)

شاعری دیگر، استقامت و استواری مردم که نتیجه آن پیروزی بوده، اینگونه در آئینه شعر خود به تصویر کشیده است:

خونین پر و بالیم و شفق سیمایم	ما مرغ سحرخوان شگفت‌آوایم
صد بار شکسته‌ایم و پابرجایم	در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه

(حسینی، شعر امروز: ۲۴۴)

شاعری در پاسخ به پرسش‌های صمیمانه کودکان می‌گوید:

«تو چرا می‌جنگی؟»

پسرم می‌پرسد

من تفنگم بر دوش، کوله‌بارم بر پشت بند پوتینم را محکم می‌بندم

مادرم آب و آئینه و قرآن در دست روشنی در دل من می‌بارد

پسرم بار دیگر می‌پرسد: «تو چرا می‌جنگی؟»

با تمام دل خود می‌گویم: «تا چراغ از تو نگیرد دشمن»

(عبدالملکیان، شعر امروز: ۴۹۱)

۱. در سرودی که سال‌های اول انقلاب از صدا و سیما پخش می‌شد، مصراع اول، «من ایرانی‌ام آرمانم شهادت» بود، اما سال‌ها بعد در گزیده شعر خانم کاشانی، به این صورت ضبط شده است.

۳. اجتماعی شدن شعر

پس از انقلاب، شاعران بیش از آنکه در اندیشه ساختن شعر برای دل خود باشند، درد و رنج‌های مردم، شرح ستم طاغوتیان، هجوم اهریمنان، باور به پیروزی مستضعفان، نفی ظالمان و ستمگران و اندیشه جهانی نوع‌دوستی را مایه و مضمون شعر خود ساختند. این تأثیر چنان است که حتی برخی از شاعران منزوی شده و ناامید پیش از انقلاب را نیز با خود همراه می‌کرد. حتی شاعرانی که دوره شکل‌گیری و اوج شاعری‌شان پیش از پیروزی انقلاب بود، گرچه انقلابی نبودند، به دلیل مخالفتشان با رژیم سلطنت، انقلاب را همراهی کردند. این شاعران هم به‌صفت اجتماع پیوستند و اشعاری اجتماعی سرودند. شعر پس از انقلاب، مردمی، مردم‌گرا و به‌دور از نفسانیات است و «من»، نوعی و عمومی است و تمایلات و عواطف محض شخصی و عشق‌های انحصاری در آن نیست، بلکه دارای اشراق است و رو به‌سوی ملکوت دارد. همچنین انقلاب اسلامی نسلی از شاعران را پروراند که با پیام‌هایش همراه و همدل بودند. شاعرانی را که درباره انقلاب و پس از آن شعر سروده‌اند، می‌توان به این گروه‌ها تقسیم کرد:

۱. کسانی که شخصیت شاعری‌شان پیش از انقلاب شکل گرفته بود و به‌عنوان شاعر انقلابی مطرح نبودند، ولی در انقلاب و گاهی پس از آن همراهی‌هایی نشان دادند و در شعر خود منعکس کردند. مهدی اخوان ثالث، سیمین بهبهانی و هوشنگ ابتهاج از این گروهند.
۲. شاعرانی که پیش از انقلاب شاعر بودند، اما مخفی یا آشکار سر مخالفت با رژیم داشتند و با نهضت اسلامی همراه بودند. استاد شهریار، حمید سبزواری، علی موسوی گرمارودی، محمود شاهرخی، نصرالله مردانی، طاهره صفارزاده، مشفق کاشانی، سیمیندخت وحیدی و سپیده کاشانی در شمار این گروهند.
۳. شاعرانی که ابتدای شاعری‌شان در آغاز انقلاب بود، یا سال‌ها بعد در زمره شاعران این نسل قرار گرفتند. البته در میان آنها تفاوت سنی وجود داشت؛ برخی پیش از این کم و بیش شعرهایی سروده بودند و گروهی پرشمار نیز در آغاز شاعری قرار داشتند. این گروه فراوانند:

شاعران در گذشته مانند سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور و شاعران حاضر چون سهیل محمودی، ساعد باقری، علی‌رضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، یوسف‌علی میرشکاک، احمد عزیزی، فاطمه راکعی، قادر طهماسبی (فرید)، حسین اسرافیلی، عباس براتی‌پور، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، اکبر بهداروند، پرویز عباسی داکانی، محمدعلی بهمنی، صابر امامی، عباس خوش‌عمل و وحید امیری. البته باید یادآور شد که تعدادی از شاعران توانا و متعهد امروز در آن سال‌ها در آغاز جوانی و شاعری بودند و امروزه خود صاحب آثار گرانقدری هستند. عرصه شعر دهه دوم و سوم پس از انقلاب صحنه پیشتازی اینهاست؛ کسانی چون عبدالجبار کاکایی، رضا اسماعیلی، محمدرضا ترکی و مرتضی امیری اسفندقه.

نمونه‌هایی از شعر اجتماعی آن زمان

شاعر فرا رسیدن بهار آزادی و بازگشت امام را این‌گونه مژده می‌دهد:

باغبان مژده گل می‌شنوم از چمن وقت آن است که با نغمه مرغان سحر خون دل خوردن و دلتنگ نشستن دوستان بر سر پیمان درستند بیا بشنو از سبزه که در گوش گل تازه چه گفت:	قاصدی کو که سلامی برساند زمنت پر و بالی بگشایی به هوای وطن دیگر ای غنچه برون آر سر از پرهنت که نگون باد سر دشمن پیمان شکنت با بهار آمدی ای به ز بهار آمدنت
---	--

(ابتهاج، شعر امروز: ۱۱۰)

در شعر زیر، وضعیت اجتماعی زمان استبداد و پایان شب تاریک ظلم و طلوع انقلاب

اینگونه توصیف شده:

ستاره‌ها حیران، پرنده‌ها بیدار شب غریبی بود پر از سموم سرب صدای مردانی به گوش می‌آمد شب شهادت بود شب مسلسلها شکستن آهن، گسستن زنجیر شب غریبی بود، شب جلیل مرگ	ترانه‌ها خونین، جوانه‌ها بیمار فضای شهر من ز موج غم سرشار از آن سوی تاریخ از آن سوی دیوار شروع پیروزی نهایت پیکار رهایی یاران، طلوعه دیدار پلنگ در مهتاب، پرنده در رگبار
--	---

شب عروج عشق، شب افول درد
شب‌های که پایانش، طلوع دیگر داشت
شب ظهور گل، شب سقوط خار
تفنگ‌ها در دست، جنازه‌ها بر دار
(صالحی، همان، ۸۱)

نمونه‌ای دیگر:

دیگر اهریمن «من»ها نفریبد دل «ما»
مشت‌ها بر دهن یاوه‌سرایان کوبیم
صبح «والعصر» به پیروزی نور اندیشیم
گرچه تاریخ سکوت است «نبودن» اما
همگی «ما» بشویم و شیخ «من» شکنیم
زورمندان جهان را همه گردن شکنیم
قامت این شب پروحشت شیون شکنیم
ما سکوت «دم بودن» ز نبودن شکنیم
(مردانی، همان: ۸۳)

۴. نگاه تازه به زندگی و مرگ

انقلاب اسلامی زندگی مردم را در ابعاد گوناگون تحت‌تأثیر قرار داد. نوع نگاه به زندگی و مرگ یکی از این تحولات فرهنگی است. پرهیز از زندگی اشرافی، خدمت به هموعان، همدردی با بینوایان و مستضعفان، احسان و نیکوکاری، شرکت در جهاد سازندگی و مهم‌تر از همه دفاع از کیان ایران و اسلام، از دست‌آوردهای این تحول است. هدف از زندگی، بندگی خدا و خدمت به بندگان خداست و مرگ نیز پایان سفر به این جهان و رفتن به جهان ابدی و آغاز زندگی دوباره است. اما شهادت و ایثارگری چنان مرگ را در چشم مردم خوار کرد که به‌جای مرگ‌هراسی، «شهادت‌طلبی و در آغوش گرفتن مرگ» از آرمان‌های شاعر می‌شود. مردم ما در هشت سال جنگ تحمیلی، داوطلبانه، عاشقانه، مؤمنانه و ایثارگرانه با کم‌ترین ابزار به جنگ اهریمن تا بن دندان مسلح رفتند. صحنه‌های جبهه، شاهد دل‌آوری، رشادت و شهادت عارفانه فرزندان مردم بود و از سوی دیگر پشت جبهه به‌ویژه شهرهای مرزی - همچون شهر مقاوم دزفول - صحنه‌های دیگری از استقامت مردم را نشان می‌داد. شاعران انقلاب به‌ویژه جوانان شاعری که خود از نزدیک جبهه‌ها را دیده بودند، این شکوه و عظمت را در اشعارشان نمایاندند. بی‌پروایی از مرگ بیش از هر چیز تحت تأثیر کلام امام بزرگ امت

بود که شهادت را فوز عظیم می‌دانست. مرگ در شعر شاعران این دوره همراه با حماسه و دارای رنگی از شکوه است. این نمونه‌ها خود گویای بینش شاعران در این باره است:

دلم پاک از سیاهی کن الهی مرا آن سان که خواهی کن الهی
مشت‌ها بر دهن یاوه‌سرایان کوبیم الهی کن، الهی کن، الهی کن
(علیدوستی، شعر امروز: ۲۷۷)

ما دشمن آه و آوخ و افسوسیم با شوق لبان مرگ را می‌بوسیم
دریا دریا اگر زما برگیرند کم می‌نشویم زانکه اقیانوسیم
(امین‌پور، غزل، مثنوی، رباعی و دو بیت: ۲۴)

گفتم که چرا دشمنت افکند به مرگ گفتا که چو دوست بود خرسند به مرگ
گفتم که وصیتی نداری خندید یعنی که همین بس است لبخند به مرگ
(امین‌پور، شعر امروز: ۲۳۸)

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت
زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرد را به بازی نگرفت
(حسینی، همان: ۲۴۴)

از شوق تو پا به سر آغوشم باز است همیشه چون سحر آغوشم
با روی گشاده چشم در راه توأم ای مرگ بگیر تنگ در آغوشم
(محمودی، همان: ۲۴۹)

۵. احیای فرهنگ مهدویت و انتظار

مردم ایران از سال‌های نخست طلوع اسلام و پذیرش این دین انسان‌ساز، محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام را در دل‌های خود پایدار کرده‌اند. بی‌تردید اعتقاد به موعود غایب و انتظار برای ظهور ایشان از لوازم ایمان به‌شمار می‌رود. توجه به موعود و سرودن شعر در ستایش حضرت صاحب‌الامر نیز از دیرباز در شعر فارسی و در آثار برخی از شاعران دیده می‌شود. اما نوع نگاه به موضوع انتظار و ظهور در هر زمان تفاوت‌هایی داشته است. مثلاً در قرون نخستین پس از

اسلام، آنچه در شعر فارسی درباره «مهدی» دیده می‌شود، بیشتر مهدویت نوعی است؛ یعنی در انتظار موعودی به نام «مهدی» بودن که بیاید و ریشه ظالمان را برکند. اما هرچه به دوره معاصر نزدیک می‌شویم، شعر مهدوی به سوی انتظار «مهدی آل محمد» که هم اکنون در پس پرده غیبت است (مهدویت مشخص و معین)، سوق داده می‌شود. پس از پیروزی انقلاب و تحت تأثیر اندیشه امام و فضای روحانی و معنوی انقلاب، موضوع انتظار سازنده و مثبت و اشتیاق به ظهور حضرت صاحب‌الزمان چون موجی در شعر شاعران دینی و انقلابی به حرکت درمی‌آمد. مبارزه با ظلم، ستیز با ظالمان و مستکبران، آمادگی برای آمدن کسی که عدالت را خواهد گسترد، حاکمیت مستضعفان، خودسازی و تهذیب و نیز پیوند انقلاب با اهل‌بیت، از موضوعات شعر مهدوی و فرهنگ انتظار در اشعار پس از انقلاب است. در واقع شعر مهدوی پس از انقلاب تنها مدح و منقبت نیست، بلکه فرهنگ‌سازی و آموزش است و شاعران، ملت حماسه‌ساز ایران را شایسته پیروی، همراهی و یاری امام‌زمان ع می‌دانند. مثلاً در نمونه پیش‌رو، شاعر با اشاره به روایات متأثر از فضای انقلابی سال‌های آغازین، ایران و مشخصاً تهران را میعادگاه ظهور حضرت می‌شمارد:

همیشه منتظرت هستم بی آنکه در رکود نشستن همیشه منتظرت هستم
چونان که من همیشه در راهم همیشه در حرکت هستم
همیشه در مقابله، تو مثل ماه، ستاره، خورشید
همیشه هستی و می‌درخشی می‌رسی از کعبه و کوفه همین تهران است
که بار اول می‌آیی و ذوالفقار را باز می‌کنی و ظلم را می‌بندی
همیشه منتظرت هستم ای عدل وعده داده شده این کوچه، این خیابان، این
خطی از انتظار تو را دارد و خسته است تو ناظری تو می‌دانی
ظهور کن ظهور کن که منتظرت هستم ظهور کن که منتظرت هستم

(صفارزاده، شعر امروز: ۴۸۶)

سادگی، صمیمیت، امروزی‌بودن و نیز متداول‌ترین باورها، الفاظ و اصطلاحات درباره

ظه‌ور، مانند آمدن حضرت در روز جمعه، از ویژگی‌های شعر مهدوی امروز است:

دست تو باز می‌کند، پنجره‌های بسته را	هم تو سلام می‌کنی، رهگذران خسته را
دوباره پاک کردم و به روی رف گذاشتم	آینه قدیمی غبار غم نشسته را
پنجره بیقرار تو، کوچه در انتظار تو	تا که کند نثار تو، لاله دسته دسته را
شب به سحر رسانده‌ام، دیده بهره نشانده‌ام	گوش به زنگ مانده‌ام، جمعه عهدبسته‌را
این دل صاف، کم‌کم، شدست سطحی از ترک	آه! شکسته تر مخواه، آینه شکسته را

(محمودی، همان: ۷۲)

در نمونه‌ای دیگر شاعر با زبانی صمیمی و آمیختن نشانه‌های فرهنگ عمومی مردم (پلک پریدن) انتظار را با زبانی تغزلی می‌سراید و آمدن موعود را پایان همه تاریکی‌ها و ویرانی‌ها می‌شمارد:

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی	ز سمت مشرق جغرافیای انسانی
دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه چیست	شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
کسی که سبزتر است از هزار بار بهار	کسی شگفت کسی آن چنان که می‌دانی
کسی که نقطه آغاز هرچه پرواز است	تویی که در سفر عشق خط پایانی
تویی بهانه آن ابرها که می‌گریند	بیا که صاف شود این هوای بارانی
تو از حوالی اقلیم هر کجا آباد	بیا که می‌رود این شهر رو به ویرانی
کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق	بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

(امین‌پور، همان: ۹۳)

امید به جای یأس و انزوا

استمرار نظام خودکامه و استبداد و خفقان، عموم مردم به‌ویژه قشر هنرمند و شاعر را سخت ناامید کرده و به انزوا کشانده بود. شاعرانی که مسایل اجتماعی را در شعر خود به‌گونه‌ای منعکس می‌کردند، این ناامیدی را به زبان شعر و به شکل‌های گوناگون (به‌خصوص تمثیل) نشان می‌دادند. برای نمونه، «مهدی اخوان ثالث» که تخلص شاعری‌اش امید بود، در اشعار

خود سخت ناامیدانه و مأیوسانه، از سرکوب و استبداد می‌سراید. اما با قیام مردم انقلابی و پیروزی انقلاب، فضای شور و نشاط و امید همه جای کشور را فراگرفت. شاعران حتی آنان که بخشی از عمر و دوره شاعری‌شان در رژیم پهلوی گذشته بود، در کنار و همراه با نسل جدید و انقلابی، این شور و نشاط و امید به آینده را در قالب اشعار خود می‌پراکندند. در این سال‌ها، در اشعار شاعران نمونه‌های یأس روشنفکرانه، یا به چشم نمی‌خورد، یا اندک است و شاعر همه چیز را تیره و تار نمی‌بیند.

در سال‌های آغازین نمونه‌های فراوانی از بیان شاعران دیده می‌شود که در آن تصویر و تعبیرهای «گذشت شب استبداد» و «دمیدن آفتاب آزادی و امید» بازتاب دارد. هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه) در غزلی این چنین مژده آزادی می‌دهد:

باغبان مژده گل می‌شنوم از چمن	قاصدی کو که سلامی برساند ز منت
وقت آن است که با نغمه مرغان سحر	پر و بالی بگشایی به هوای وطن
خون دل خوردن و دلتنگ‌نشستن تاچند	دیگر ای غنچه برون آر سر از پیرهن
بوی پیراهن یوسف ز صبا می‌شنوم	مژده ای دل که گلستان شده بیت‌الحزنت
بر لب مژده آزادی ما می‌گذرد	جان صد مرغ گرفتار فدای دهن

(شعر امروز: ۱۱۰)

شاعر جوان انقلاب، شادروان «سلمان هراتی» در غزلی گفته است:

دیروز اگر سوخت ای دوست غم‌برگ و بار من و تو	امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو
غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران	صد جویبار است اینجا در انتظار من و تو
این فصل فصل من و توست فصل شکوفایی ما	برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو
چون رود امیدوارم، بیتابم و بی‌قرارم	من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

(میرجعفری، حرفی از جنس زمان: ۹۴)

همچنین «هراتی» در شعر دیگری این‌گونه امیدوارانه و با فراغ بال از گذشت خطرها و پایداری امیدها می‌گوید:

گردبادهای مسموم می‌آیند

و می‌روند

تا باور باغ را مچاله کنند

اما تو می‌درخشی و دریاها می‌خورشند

و درختان از باوری تازه سبز می‌پوشند.

(همان: ۲۶۴)

استاد شهریار در نوید پیروزی و رسیدن ظفر بعد از صبر سروده است:

صبح امید است و شام غم به سر آید ساز طرب هم سرود خود بسراید

پرده بدرّد جمال عدل که دائم ماه نماند به زیر ابر و در آید

می‌رسد آن کاروان که یوسف مصری از چه زندان حاسدان به در آید

(شهریار، شهریار و انقلاب اسلامی: ۹)

تکوین آثار ادبی پس از انقلاب

اگر نام اشعار این دوره را شعر انقلاب بگذاریم، باید گفت که این شعر در گذشته ریشه دارد. ادبیات انقلابی، از عقاید شیعی و راه پر خون ائمه علیهم‌السلام و پیروان سر به‌دار آنان مایه گرفته است. مبارزه با ظلم و حق‌طلبی، قرن‌ها در جان این مردم بوده و شاعرانی از گذشته‌های دور حماسه این حق‌طلبی را در شعر خویش منعکس کرده‌اند. اشعار مربوط به انقلاب و رهبری امام سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سروده شده، اما بسیار کم و به‌صورت مخفی یا به‌صورت رمز بوده است. شاعرانی چون حمید سبزواری، طاهره صفارزاده و نصرالله مردانی پیش از پیروزی انقلاب از هنر شعر برای مبارزه با طاغوت و تمجید از آزادی‌خواهی مردم استفاده کرده‌اند، ولی در آستانه پیروزی انقلاب و پس از آن، زمینه بسیار مساعدی برای این نوع شعر فراهم آمد و شعر انقلاب از نظر چند و چون، دوره‌ای درخشان را پشت سر گذارد. می‌دانیم که برای پدیدآمدن، شکل‌گرفتن و ارائه اثری ادبی، عوامل و عناصری چند دخیلند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: شرایط سیاسی - اجتماعی، سنن ادبی و نیز شخصیت فردی

شاعر یا مؤلف و مخاطب اثر. (پورنامداریان، در سایه آفتاب: ۳۳)

اکنون بر اساس این عناصر، نحوه تأثیر انقلاب را در شکل‌گیری آثار ادبی در دوره مورد نظر بررسی می‌کنیم.

۱. شرایط سیاسی و اجتماعی: منظور از این شرایط، وضع جامعه، مجموعه فرهنگ و جهان‌بینی حاکم بر عصر، گرایش‌های سیاسی، دگرگونی‌های اجتماعی و روح فکری حاکم بر زمان است.

با پیروزی انقلاب، این عوامل یا دچار دگرگونی شد، یا به کلی جای خود را به شرایط دیگر داد. جامعه در یک فضای شور و احساس و شعور ناشی از پیروزی بزرگ بود. جهان‌بینی حاکم بر جامعه نیز مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی بود و رو به سوی خدا داشت. از سوی فضای فکری جامعه به‌ویژه در بین تحصیل‌کرده‌ها و هنرمندان و شاعران نیز روبه‌تغییر بود. روح فکری حاکم بر زمان، روح ایثار، برادری، نوع‌دوستی، خدمت و خداجویی بود. انقلاب اسلامی تفکر شاعران را از مسایل نفسانی و حدیث نفس و حتی عشق‌های ظاهری جدا کرد و به مسایل اجتماعی و بشردوستانه پیوند داد. خیال شاعران متأثر از صحنه‌ها و رویدادهای انقلاب و پس از آن، با تصاویر ناب و ایماژهای نو روبه‌رو شد و به‌همین سبب زبان شاعران نیز متناسب با تغییرات و دگرگونی‌های زمان تغییر کرد و بدین ترتیب واژه‌ها و ترکیب‌های نو وارد زبان شعری شد، یا ترکیب‌ها و واژه‌هایی مانند شهادت و مستضعفان - که شاید صدها سال فراموش شده بود - احیا گردید.

۲. سنت‌های ادبی: سنت ادبی مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، تصویرهای بلاغی و زبان ادبی است. بینش و فکری که در آثار ادبی جاری است، گاه از نسلی به‌نسل و از عصری به‌عصر دیگر منتقل می‌شود. بدیهی است که سنت‌های ادبی یکباره نه تغییر می‌کند و نه از بین می‌رود، اما از عوامل و شرایط محیط و زمان، بسیار تأثیر می‌پذیرد. پیوند بین این سنت با حفظ قالب‌های ادبی و شعری و نوآوری در آنها از ویژگی‌های سنت ادبی شعر انقلاب است. در قالب‌های شعری و شکل‌های هنری بیان سخن نیز تحولات و نوآوری‌هایی صورت

می‌گیرد. برخی از این قالب‌ها بدین قرار است:

غزل: قالب شعری همهٔ قرن‌ها غزل است که پس از انقلاب، متأثر از فضای معنوی و تغییر روحیه و افکار اجتماعی، از نظر موضوع و محتوا متنوع می‌شود. از آنجا که بیشتر سال‌های دههٔ اول انقلاب سال‌های حماسه و جنگ و ایثار بود و شاعران در چنین فضایی تنفس می‌کردند سرودن غزل‌های حماسی بسیار مورد توجه قرار گرفت. این غزل‌ها یا فقط حماسی بود، یا حماسی - عرفانی. در غزل‌های حماسی، ستایش دلاوران و حماسه‌سازان جبهه‌ها، دعوت به مبارزه و رفتن به جبهه و دفاع از کیان سرزمین اسلامی و رجزخوانی و تکرار افتخارات، محتوا را تشکیل می‌دهد.

نمونهٔ دیگر غزل در این دوره، غزل حماسی - عرفانی است که در آن شاعران با تلفیق حماسه و عرفان، آثار فراوانی را خلق کردند. بهره‌گیری از فرهنگ عرفانی و دینی، تأثیر از شخصیت معنوی امام و مناجات و راز و نیازهای رزمندگان در جبهه، از عوامل مؤثر در خلق این نوع غزل بود.

مثنوی: این قالب پس از انقلاب مورد توجه شاعران قرار گرفت و نوآوری‌هایی در آن ایجاد شد. «علی معلم دامغانی» و «احمد عزیزی» از شاعرانی بودند که بیش از دیگران به این قالب توجه کردند؛ دیگرانی چون ابتهاج، موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، سیدحسین حسینی، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، محمدرضا عبدالملکیان و علیرضا قزوه هم به این قالب توجه کرده‌اند.

رباعی: این قالب پس از پیروزی انقلاب، جانی دوباره گرفت. زبان تازه و ترکیب‌های امروزی و نیز نوآوری در مضمون، از ویژگی‌های محتوایی رباعی این دوره است.

دوبیتی: این قالب نیز همچون رباعی پس از پیروزی انقلاب حیاتی تازه یافت و شاعرانی که در رباعی نوآوری‌هایی داشتند، در دوبیتی‌سرایی نیز زبان جدید و موضوعات روز را وارد کردند. امین‌پور، حسینی، علیرضا قزوه و سلمان هراتی از مشهورترین سرایندهگان دوبیتی‌های پس از انقلابند. موضوعاتی چون عشق و عرفان، سوگ سرود شهیدان و دلتنگی‌های ناشی از

فضای معنوی جبهه و جنگ، در دوبیتی‌های این دوره به چشم می‌آید. قصیده: در این دوره، قالب قصیده چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اما شاعرانی که شخصیت شاعری‌شان سال‌ها پیش شکل گرفته بود، در این قالب نیز متناسب با فضای زمان شعر سروده‌اند؛ کسانی همچون اخوان ثالث، مهرداد اوستا، مشفق کاشانی، حمید سبزواری، عزت‌الله فولادوند و تا حدودی نیز موسوی گرمارودی. در این میان قصاید مهرداد اوستا از نظر کمی و کیفی به شرایط زمان نزدیک‌تر است.

پس از انقلاب، طبیعتاً قصیده همراه با جریان عمومی ادبیات، متأثر از فضای انقلاب شد، اما این تأثیر را با روحیه خاص خود درآمیخت؛ مدح گفت، اما نه چون مدیحه‌های رایج تاریخ ادبیات، بلکه متناسب با موقعیت. (باقری و محمدی نیکو، شعر امروز: ۲۹۹)

ستایش امام و شهید مطهری، ولایت و امامت و تکریم شهدا، از موضوعات قصیده در این دوره است.

شعر نو: در سال‌های آغازین پس از انقلاب، شعر نو یا قالب‌های نوین، برتری خود را نسبت به قالب‌های سنتی از دست داد. شاعران با قالب‌های سنتی - اما همراه با نوآوری - در فکر و زبان، بهتر و بیشتر توانستند پایه‌های تحولات زمان و فضای پس از انقلاب حرکت کنند. سال‌ها بعد دوباره شعر نو و قالب‌های جدید جان می‌گیرد و تقریباً بیشتر موضوعات مرتبط با انقلاب و حماسه دفاع مقدس، در قالب شعر نو سروده می‌شود. جنگ و موضوعات و مسایل مرتبط با آن، شهید و شهادت، امام و شخصیت‌های انقلاب، مدح اهل‌بیت و بزرگان دین، همگامی و همدردی با مبارزان و مظلومان جهان، عرفان اسلامی، اعتراض به کاهلی در امور اجتماعی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های آن، گله و گریز از زندگی شهری و یادکرد زندگی در روستا، از مهم‌ترین موضوعات شعر نو در دوره مورد نظر است. طاهره صفارزاده، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، موسوی گرمارودی، ساعد باقری، محمدی نیکو، سهیل محمودی، عبدالجبار کاکایی، علی‌رضا قزوه، منصور اوجی، محمدرضا عبدالملکیان،

یوسفعلی میرشکاک، فرشته ساری و بهمن صالحی، از شاعران نوپرداز این دوره‌اند.

۳. شخصیت شاعر

شاعر شخصیتی است که در اجتماع خود رشد کرده است. همه خصوصیات و تحولات اجتماعی ممکن است از شاعر یا نویسنده، شخصیتی با ویژگی‌های ممتاز بسازد. تحصیل، مطالعه، فرهنگ، اجتماع، خانواده و باورها می‌توانند خصوصیتی متفاوت را در شاعر به وجود آورند. از این نظر شاعران انقلاب یا شاعرانی که تا حدودی با انقلاب همراه بودند، با توجه به فضای پیش و پس از انقلاب، شخصیت‌های متمایزی داشتند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته آمد، برخی شاعران با رژیم طاغوت سازگار نبودند و جزو مخالفان به‌شمار می‌آمدند. شخصیت این شاعران بیشتر متناسب با اوضاع فرهنگی و اجتماعی پیش از انقلاب بود. تعدادی از شاعران مخالف رژیم نیز از افراد مذهبی و مکتبی بودند؛ مانند شهریار، حمید سبزواری و طاهره صفارزاده. اما بیشتر شاعران، جوانانی بودند که پرشور و همدل، فضای انقلاب را دیده و خود همراه با مردم بودند. این گروه در زمان جنگ نیز در دفاع مقدس شرکت کردند، یا در جریان حماسه‌آفرینی با مردم، همدل و همفکر بودند. اشعار لطیف، پرشور، حماسی، عرفانی و مضامین نو و امروزی حاصل کار این دسته از شاعران است که شخصیت آنها با فضای پس از انقلاب شکل گرفته بود؛ کسانی چون سلمان هراتی، حسن حسینی، امین پور، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، محمدرضا عبدالملکیان و رضا اسماعیلی.

۴. مخاطب

مخاطب از عناصر سازنده یک اثر ادبی است؛ زیرا شاعر یا نویسنده، شعر و نوشته‌اش را برای او می‌آفریند. پذیرش مخاطب و همدلی و هم‌حسی بین مخاطب و آفریننده اثر، در نوع آثار و زبان و لحن آنها بسیار مؤثر است. مخاطب در شعر انقلاب اسلامی، یا مردمی هستند که انقلاب کرده‌اند و شاعر آنها را ستایش می‌کند، یا مستضعفان و مسلمانان عالمند که شاعر در کلام خود آنها را به قیام علیه مستکبران فرامی‌خواند. این همراهی و همدلی شاعر و مخاطب

سبب می‌شود که شعر، بسیار صمیمی و عاطفی باشد.

البته مخاطب شاعر گاه ممدوح است و این ممدوح کسی جز رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی رهبر نیست. شاعران این دوره، او را چون پدری مهربان و معلّمی دلسوز می‌بینند و به راحتی با او از طریق شعر و با زبانی عاطفی و صمیمی سخن می‌گویند. مثلاً قیصر امین‌پور صمیمانه امام را این‌گونه خطاب می‌کند:

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست	لختی بخند خنده گل زیباست
پیشانی‌ت تنفس یک صبح است	صبحی که انتهای شب یلداست
در چشمت از حضور کبوترها	هر لحظه مثل صحن حرم غوغاست
با ما بدون فاصله صحبت کن	ای آنکه ارتفاع تو دور از ماست
فریاد تو تلاطم یک طوفان است	آرامشت تلاوت یک دریاست

(امین‌پور، همان: ۷۲)

عوامل مؤثر در شعر انقلاب

انقلاب اسلامی با مجموعه ویژگی‌های خود و حوادث پس از پیروزی‌اش، در شعر امروز مؤثر بوده که در این میان دو عامل از همه اثرگذارتر بوده است. یکی: شخصیت امام و دیگری نیز حماسه هشت‌سال دفاع مقدس با همه شهادت‌ها و ایثارگری‌ها. از آن رو که مجالمان اندک است، به اختصار تنها به شخصیت امام و توصیف و ستایش شاعران انقلاب از ایشان می‌پردازیم. بی‌شک انقلاب اسلامی بدون رهبری امام و شخصیت ممتاز ایشان پدیده‌ای ناقص است؛ بدین معنا که نمی‌توان انقلاب را بدون امام نام برد یا شناخت. شاعران نیز که آیین‌داران جامعه‌اند، در اشعار خود مدح و توصیف آن رهبر بزرگ را به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی شعر خویش برگزیده‌اند؛ آن‌گونه که پس از رحلت ایشان نیز دفترهای شعر پر است از شرح فراق آن بزرگ‌مرد. در مجموع، سیمای امام در اشعار شاعران انقلاب در جنبه‌های حماسی، غنایی، تمثیلی، اخلاقی و تعلیمی نشان داده شده و در هر مورد ده‌ها موضوع و تعبیر و اصطلاح در توصیف شخصیت ایشان به چشم می‌خورد. استواری، نستوهی،

بی‌باکی، شجاعت و فریادگری، از جنبه‌های حماسی امام است و غربت و اندوه، مردمی‌بودن، خضوع، آیینۀ خدانمایی، صفا، صداقت، صمیمیت، هدایت‌گری و مانند آن، از جنبه‌های غنایی و اخلاقی شخصیت امام به‌شمار می‌رود.

نام و حضور و شخصیت امام در اندیشه‌ی شاعران این روزگار همواره با هاله‌ای از تقدّس، عشق، عرفان، عاطفه، غیرت، رادمردی، ایمان، حماسه، کفرستیزی، دین‌مداری، مقاومت، ایثار، استواری، اتکا به‌خداوند، آرمانگرایی اسلامی، نفس‌گریزی، صبوری، نستوهی، دردمندی، بت‌شکنی، آیینۀ تباری، هدایت‌گری، رهبری، مرجعیت، فرماندهی، فقاقت، معنویت، اخلاق، آینده‌نگری، ژرف‌اندیشی، وطن‌دوستی، سادگی، صلابت، صمیمیت، برادری، برابری، بالندگی، شیوایی، شیدایی، مهربانی و... همراه بوده‌است. (بیگی حبیب‌آبادی، فرهنگ توصیفات: ز)

نمونه‌هایی از توصیف امام

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت	شب مانده بود و جرأت فرداشتن نداشت
بسیار بود رود در آن برزخ کبود	اما دریغ زهره دریا شدن نداشت
گم بود در عمق زمین شانه بهار	بی تو ولی زمینه پیداشدن نداشت
دلها اگر چه صاف ولی از هراس سنگ	آیینه بود و میل تماشا شدن نداشت

(زنده یاد سلمان هراتی)

هلا روز و شب فانی چشم تو	دلم شد چراغانی چشم تو
به مهمان شراب عطش می‌دهد	شگفت است مهمانی چشم تو
تویی قطب روحانی جان من	منم سالک فانی چشم تو
دلیم نیمه شب‌ها قدم می‌زند	در آفاق بارانی چشم تو

(زنده یاد سیدحسن حسینی)

فری ای جهان زیر شهپر گرفته	همای ز گردون فراتر گرفته
ز دامان آخر زمان بردمیده	جهان را چو خورشید انور گرفته
خمینی امام ای که داد ولایت	به توفیق دادار داور گرفته

تو اشک فقیری، تو آه اسیری به دامان آخر زمان درگرفته
(زنده یاد مهرداد اوستا)

تو آن سروی که چون سر برکنی سرها بیارایی
وگر سرور شدی آیین سرورها بیارایی
به نقاش ازل مانی که با نقش جهان آرای
چمن‌ها با گل و سرو و صنوبرها بیارایی
نه هر کو کاروان راند رموز رهبری داند
تو روح الله رهی داری که رهبرها بیارایی
(شهریار)

نتیجه

ادبیات آیینۀ فرهنگ یک جامعه و تاریخ هنری تحولات آن است. شعر فارسی نیز از دیرباز تاکنون منعکس‌کننده خواسته‌ها، آرمان‌ها، دردها و رنج‌ها، عقاید و باورها و نمودار تاریخ پرفراز و فرود مردم این سرزمین است. رویداد بزرگ انقلاب اسلامی فرهنگ و ادبیات و شعر فارسی را سخت تحت‌تأثیر قرار داد. امروز با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب می‌توان به‌گونه‌ای دقیق‌تر و روشن‌تر به این تأثیرها نظر کرد و آن‌را نشان داد.

دهه اول انقلاب با حضور شخصیت کم‌نظیر امام‌خامنه‌ی و همچنین با وقوع هشت‌سال دفاع مقدس و شهادت و رزمندگی و ایثارگری، دوره‌ای متفاوت با سال‌های پس از آن است. شور ناشی از پیروزی انقلاب و حماسه‌سازی رزمندگان و شعور ناشی از فرهنگ انقلاب، در آیینۀ شعر فارسی درخشید و آثار ارزشمندی به‌وجود آمد.

شعر فارسی متأثر از انقلاب اسلامی تنها جامعه ایران را مخاطب خود نمی‌دانست، بلکه شاعران همچون رهبران انقلابی، فلسطین و لبنان و هرکجا را که مظلوم و مستضعفی از جور می‌نالید، حوزه عقاید و باورها و درد و رنج خود دیدند و برای آن سرودند.

شعر فارسی در این دوره بیانگر رهایی انسان‌ها از بند و سلطه است و دربردارنده مضامینی

چون: عرفان اجتماعی، گرایش مردمی، تعهد و مسئولیت، خداجویی و خداگرایی، اصالت‌دادن به انسان مؤمن و خلیفه الهی، بازگشت به خویشتن و خودباوری است. بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی، سیره معصومان، تاریخ انبیا، حوادث صدر اسلام، مکتب عاشورا و واقعه کربلا از دیگر ویژگی‌های شعر این دوره است.

برخی مفاهیم را می‌توان محتوای شعر این دوره دانست که عبارتند از: شهادت، ایشار، حماسه رزمندگان به‌ویژه در رویدادهای مهمی چون فتح خرمشهر، جانبازی فرزندان این ملت، تمجید از شهیدانی چون فهمیده، ستایش شخصیت‌ها و شهدای بزرگ انقلاب همچون مطهری و رجایی و باهنر و بهشتی، مدح و منقبت معصومان، انتظار سازنده و مهدویت عدالت‌گستر.

در این دوره شاعران در قالب‌های شعر فارسی به‌ویژه در مثنوی، غزل، رباعی و دوبیتی از نظر محتوا و برخی ویژگی‌های سبکی نوآوری‌هایی می‌کنند و زبانی تازه و ترکیباتی نو می‌آفرینند و در مجموع دوره‌ای متمایز در تاریخ ادبیات فارسی می‌سازند.

منابع

۱. اکبری، منوچهر، *نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی*، بخش اول شعر، جلد اول، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۲. امین پور، قیصر، *غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی* (مجموعه اشعار)، تهران، انجمن شاعران ایران، ۱۳۸۸.
۳. اوستا، مهرداد، *یادنامه استاد مهرداد اوستا*، به کوشش محمد حسین رحمانی، ضمیمه *فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر*، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، ۱۳۷۳.
۴. باقری، ساعد و محمدرضا محمدی نیکو، *شعر امروز*، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲.
۵. بهیانی، سیمین، *مجموعه اشعار*، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۲.
۶. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز، *فرهنگ توصیفات امام خمینی در شعر شاعران معاصر*، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۷.
۷. پورنامداریان، تقی، *در سایه آفتاب*، تهران، نشر سخن، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۸. حسینی، سیدحسین، *گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس*، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۱.
۹. _____، *شاعری در مشعر*، *گزیده اشعار*، به انتخاب سهیل محمودی، تهران، مؤسسه کتاب همشهری، ۱۳۸۶.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، *ادبیات و تعهد در اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.
۱۱. خاک، خون، حماسه، *مجموعه شعر دفاع مقدس ویژه خرمشهر*، به کوشش شیرین‌علی گل‌مرادی، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۲. سبزواری، حمید، *سرود سپیده (دوجلد)*، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷.
۱۳. سنگری، محمدرضا، *ادبیات معاصر*، دوره کاردانی تربیت معلم، تهران، دفتر برنامه‌ریزی کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۵.
۱۴. شاه‌رخ، محمود، *ز شمع پرس حکایت*، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۴.

۱۵. شهریار، محمدحسین، *شهریار و انقلاب اسلامی*، گردآوری و تصحیح اصغر فردی، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۷۲.
۱۶. صفارزاده، طاهره، *بیعت با بیداری*، شیراز، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۱۷. عزیزی، احمد، *ملکوت تکلم*، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۲.
۱۸. _____، *کفش‌های مکاشفه*، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۶۹.
۱۹. کاشانی، سپیده، *گزیده ادبیات معاصر*، تهران، انتشارات نیستان، ۱۳۷۹.
۲۰. کاکایی، عبدالجبار، *گزیده ادبیات معاصر*، تهران، کتاب نیستان، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۲۱. *کیهان فرهنگی*، تهران، سال نهم، شماره پیاپی ۸۵، خرداد ۱۳۷۱.
۲۲. مجاهدی، محمدعلی، *سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی*، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰.
۲۳. *مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۲۴. محمدی، حسنعلی، *از بهار تا شهریار*، نشر مؤلف، جلد ۲، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۵. مردانی، نصرالله، *خون‌نامه خاک*، تهران، مؤسسه انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
۲۶. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، *رسول صبح، سروده‌های شاعران معاصر به مناسبت دوازده بهمن*، تهران، ۱۳۷۳.
۲۷. _____، *حدیث عشق، سروده شاعران در منقبت امام خمینی*، تهران، ۱۳۷۴.
۲۸. _____، *ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات*، ج اول، تهران، ۱۳۷۷.
۲۹. میرجعفری، سیداکبر، *حرفی از جنس زمان، تأملی در شعر انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات الهدی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۳۰. وسمقی، صدیقه، *نماز باران*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.